سایه سنگین دولت بر سر بازار

برخلاف روند جهانی که در آن بیش از ۸۰ درصد اقتصاد در اختیار بخش خصوصی است، در ایران بخش عمومی — دولت، شرکت‌های دولتی و نهادهای حاکمیتی — سهم غالب را در تولید و اداره اقتصاد دارد. بر پایه برآوردهای گزارش اتاق بازرگانی ایران، سهم بخش عمومی از ارزش افزوده اقتصاد در سال ۱۳۹۳ حدود ۵۳ درصد بوده است و محاسبات مبتنی بر بودجه سال ۱۳۹۶ نیز سهم دولت و شرکت‌های دولتی را در مجموع بیش از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد. این اندازه بزرگ دولت، به‌ویژه در قالب خصوصی‌سازی ناتمام که عملاً انتقال بنگاه‌ها از دولتی به خصولتی بوده، سازوکارهای رانت و تخصیص ناکارآمد منابع را باز تولید کرده و گزاره «سوءمدیریت» را از یک شعار سیاسی به یک مسئله ساختاری بدل کرده است.

این گزارش به پرسش بنیادینی می‌پردازد که در هر دوره‌ای از اقتصاد ایران سر بر می‌آورد: آیا ساختار اقتصادی کشور باید در دست دولت باشد یا بازار؟



شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

چرا بحث اقتصاد دولتی و بازار در ایران بازمی‌گردد؟

بحث درباره اندازه دولت در اقتصاد ایران، موضوعی صرفاً آکادمیک نیست؛ هر بار که تورم بالا می‌گیرد، شرکت‌های دولتی زیان اعلام می‌کنند یا یارانه‌ای تخصیص می‌شود، این پرسش دوباره مطرح می‌شود که آیا دولت باید در قامت یک «بنگاهدار بزرگ» ظاهر شود یا تنها در نقش قانون‌گذار، حامی و ناظر بایستد؟

رویکردهای رقیب در این بحث، هر یک با منطقی خاص، پاسخ متفاوتی می‌دهند: رویکرد نخست بر نقش دولت در تأمین رفاه، مهار نابرابری و هدایت راهبردی سرمایه‌گذاری تأکید دارد و از این رو مداخله فعال دولت را ضروری می‌داند؛ رویکرد دوم، یعنی اقتصاد بازار، استدلال می‌کند که تخصیص کارآمد منابع تنها از طریق مکانیسم قیمت، رقابت و مالکیت مشخص امکان‌پذیر است و مداخله گسترده دولت، به جای رفع نقص بازار، خود نقصی تازه می‌آفریند.

تجربه چند دهه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که این دوگانه در عمل با پیچیدگی بیشتری همراه بوده است: میان دولت به معنای عام — قوه مجریه، شهرداری‌ها، تأمین اجتماعی، شرکت‌های دولتی و نهادهای وابسته به حکومت — و بخش خصوصی واقعی، طیفی از بنگاه‌های خصولتی و شبه‌دولتی قرار گرفته که نه دولتی‌اند و نه خصوصی. همین ابهام مفهومی است که ارقام ارائه‌شده درباره سهم دولت در اقتصاد ایران را از ۶۰ تا ۹۰ درصد نوسان داده و بحث را بر سر «عدد» به جای «سازوکار» برده است.

سنجش اندازه دولت در اقتصاد ایران

برآوردهای موجود از اندازه بخش دولتی در اقتصاد ایران، به دلیل تعریف‌های گوناگون از «دولتی»، طیفی گسترده دارد؛ اما سه مرجع نسبتاً معتبر، چارچوبی برای قضاوت فراهم می‌کند. گزارش مشترک اتاق بازرگانی ایران و مرکز آمار (۱۳۹۷): این گزارش که سهم ارزش افزوده بخش خصوصی را برای سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ محاسبه کرده، نشان می‌دهد سهم بخش عمومی — در مفهوم عام آن شامل دولت، شهرداری‌ها، شرکت‌های دولتی، تأمین اجتماعی و نهادها — از کل ارزش افزوده اقتصاد در سال ۱۳۹۲ معادل ۳/۵۵ درصد و در سال ۱۳۹۳ برابر ۷/۵۲ درصد بوده است. با رویکرد تعیین مدیریت، سهم بخش دولتی در سال ۱۳۹۲ تا ۵۷ درصد برآورد شده است. پژوهش بانک مرکزی (۱۳۸۵) با عنوان «اندازه دولت در اقتصاد ایران»: این پژوهش با بررسی دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۴ نشان می‌دهد اندازه بخش عمومی در دوره رونق نفتی (۱۳۵۲–۱۳۵۷) تا ۱/۶۳ درصد و در سال ۱۳۸۴ به ۲/۷۲ درصد رسیده است. محاسبات مبتنی بر بودجه سال ۱۳۹۶نیز می گوید؛ بر پایه نماگرهای بانک مرکزی، تولید ناخالص داخلی ۱۳۹۶ حدود ۱۴۷۰ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان بوده است. سهم بودجه شرکت‌های دولتی از این رقم ۶/۴۷ درصد و سهم بودجه دولت ۵/۱۹ درصد بوده؛ در مجموع حدود ۶۷ درصد تولید ناخالص داخلی. این محاسبه هنوز شرکت‌هایی را که دولت کمتر از ۵۰ درصد سهام آن‌ها را دارد در بر نمی‌گیرد؛ بنابراین اندازه واقعی مداخله دولت بزرگ‌تر از این عدد است.

در سوی مقابل، اظهارنظرهای سیاسی ارقامی از ۶۰ تا ۹۰ درصد مطرح کرده‌اند؛ از گفته رئیس مجلس درباره «۹۰ درصد اقتصاد دولتی» تا برآورد ۸۵ درصدی فعالان اقتصادی. فکت‌نامه نتیجه می‌گیرد هیچ سند رسمی و به‌روزی برای تأیید رقم ۹۰ درصد وجود ندارد و بالاترین برآورد مستند در دوره‌های گذشته حدود ۷۲ درصد بوده است. آنچه مسلم است این است که در هیچ برآورد معتبری سهم بخش خصوصی واقعی از اقتصاد ایران بیش از ۵۰ درصد نیست.

دلایل و تبعات خصوصی‌سازی ناتمام

اصلی‌ترین ابزار رسمی برای کوچک‌سازی دولت در اقتصاد ایران، سیاست خصوصی‌سازی بر پایه اصل ۴۴ قانون اساسی بوده است؛ سیاستی که با تفسیر ماده ۴۴ در سال‌های پس از جنگ و با هدف افزایش بهره‌وری، کاهش بار مالی دولت و گسترش رقابت، از دهه ۱۳۸۰ به‌طور جدی‌تری دنبال شد. با این حال، ارزیابی عملکرد سه دهه خصوصی‌سازی، تصویری کاملاً متفاوت از آنچه در برنامه‌ها نوشته شده بود ترسیم می‌کند.

منوچهر متکی، عضو ناظر مجلس در هیأت واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی، در گفت‌وگویی با خبرگزاری خانه ملت (اردیبهشت ۱۴۰۴) اعلام کرد که بر اساس اعتراف مسئولان سازمان خصوصی‌سازی، از حدود ۱۴۰۵ واگذاری انجام‌شده، تنها ۸ درصد به بخش خصوصی واقعی منتقل شده و ۹۲ درصد واگذاری‌ها صرفاً از یک بخش دولتی به بخش دولتی دیگر صورت گرفته است. به تعبیر او، بنگاه‌ها «از یک گوشه دولت کنده و به گوشه دیگر دولت افزوده» شده‌اند؛ فرایندی که نه خصوصی‌سازی است و نه کوچک‌سازی دولت.

نتیجه این روند، شکل‌گیری طبقه‌ای از بنگاه‌های خصولتی است: شرکت‌هایی که ظاهراً غیردولتی‌اند اما در عمل مدیریتشان را نهادهای شبه‌دولتی، صندوق‌های بازنشستگی، بانک‌ها و هلدینگ‌های وابسته در دست دارند. این ساختار نه‌تنها حجم مداخله دولت را کم نکرده، بلکه مالکیت را پیچیده‌تر، پاسخگویی را مبهم‌تر و دسترسی بخش خصوصی واقعی به منابع و بازارها را دشوارتر کرده است. تجربه جهانی خصوصی‌سازی — مانند آنچه مارگارت تاچر در ۱۱ سال در بریتانیا دنبال کرد و تنها موفق به خصوصی‌سازی ۱۳ درصد اقتصاد شد — نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی واقعی به اراده سیاسی پایدار، شفافیت و زیرساخت حقوقی نیاز دارد؛ پیش‌شرط‌هایی که در تجربه ایران برقرار نشده است.

سوءمدیریت و رانت؛ سازوکارهای تخصیص ناکارآمد منابع

وقتی دولت در قامت بنگاهدار بزرگ ظاهر می‌شود، مسئله فقط «اندازه» نیست؛ مسئله اصلی «سازوکار تخصیص» است. سازوکارهای تخصیص ناکارآمد در اقتصاد دولتی ایران را می‌توان در سه عرصه مشخص ردیابی کرد.

نخست، شرکت‌های دولتی زیانده؛ به گفته متکی، در ایران بیش از ۲۰۰۰ شرکت دولتی فعال است که به استثنای معدودی از نهادهای خدماتی، عموماً زیان‌ده‌اند اما هر سال زیانشان در بودجه گنجانده می‌شود و به حیاط خلوت هزینه‌های خاص بدل شده‌اند؛ جایی که صدها میلیون تومان حقوق و پاداش بدون تناسب با معیارهای عدالت پرداخت می‌شود.

دوم، برداشت از منابع مشترک ملی: صندوق توسعه ملی به عنوان ذخیره ارزی کشور با درآمد حاصل از نفت، طبق گفته متکی تاکنون حدود ۱۷۰ میلیارد دلار ذخیره داشته که دولت‌ها تقریباً ۱۰۰ میلیارد دلار از آن را برداشت کرده‌اند؛ بدون بازپرداخت و اغلب در ازای تحویل شرکت‌های زیان‌ده به صندوق. این سازوکار عملاً حکمرانی مالی را به چرخه‌ای از بدهی دولتی و انتقال زیان به آینده بدل کرده است.

سوم، رانت ارزی و تخصیص دلار ترجیحی: در سال‌های متعدد، تخصیص ارز ترجیحی به واردکنندگان کالاهای اساسی و صنایع، به‌جای حمایت از تولید داخلی، شکاف میان نرخ رسمی و بازار آزاد را منبع ثروت‌سازی از محل رانت کرده است. بازگشت کالابرگ الکترونیکی در سال ۱۴۰۴ نیز در واقع واکنشی به همین ناکامی بود: دولت به‌جای تخصیص ارز، اعتبار مستقیم به مصرف‌کننده نهایی پرداخت کرد؛ سیاستی که به اعتراف وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، انتقال ارز ترجیحی به انتهای زنجیره مصرف است، نه حذف کامل آن.

آنچه این سه سازوکار را به هم پیوند می‌دهد، غیبت یک مکانیسم قیمت شفاف است: وقتی قیمت‌ها دستوری تعیین می‌شوند و مالکیت مبهم است، انگیزه برای بهره‌وری جای خود را به انگیزه برای دسترسی به رانت می‌دهد. بدین ترتیب، سوءمدیریت نه یک خطای موردی مدیران، بلکه منطق درونی یک ساختار است که در آن دسترسی به دولت از رقابت در بازار سودآورتر است.

> مداخله مستقیم دولت باید به حوزه‌هایی محدود شود که بخش خصوصی توان یا انگیزه ورود به آن را ندارد، یعنی زیرساخت‌های کلان و خدمات عمومی

اقتصاد بازار به‌مثابه الگوی بدیل

الگوی اقتصاد بازار در ادبیات اقتصادی، نه به معنای حذف دولت، بلکه به معنای بازتعریف نقش آن است: دولت سیاست‌گذار، حامی و ناظر است و بازار وظیفه تخصیص منابع را بر عهده دارد. متکی در همین چارچوب استدلال می‌کند که دولت‌ها اساساً نباید اداره‌کننده اقتصاد باشند؛ وظیفه دولت تنها سه چیز است: سیاست‌گذاری، حمایت و نظارت. مداخله مستقیم دولت باید به حوزه‌هایی محدود شود که بخش خصوصی توان یا انگیزه ورود به آن را ندارد، یعنی زیرساخت‌های کلان و خدمات عمومی.

کارکرد این الگو در تجربه جهانی روشن است. در اغلب اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور، ۸۰ درصد اقتصاد در دست بخش خصوصی و ۲۰ درصد در دست دولت است. متکی در همین باره می‌گوید اگر هر سال تنها ۲ درصد از اقتصاد ایران به‌صورت واقعی خصوصی می‌شد، ایران امروز به الگوی جهانی رسیده بود؛ اما در عمل، طی بیش از سه دهه خصوصی‌سازی، تنها حدود ۲۰ درصد اقتصاد در اختیار مردم (تعاونی و خصوصی) باقی مانده است.

با این حال، اقتصاد بازار در ایران بدون اصلاح نهادی کارکرد ندارد. مالکیت امن، شفافیت اطلاعات، ثبات قوانین، رقابت سالم و برابری دسترسی به منابع، پیش‌شرط‌های کارکرد این الگو هستند؛ در غیاب این شرایط، خصوصی‌سازی صرفاً به انتقال رانت از دولت به خصولتی‌ها تبدیل می‌شود، نه به شکل‌گیری بازار واقعی. از این رو، بحث «اقتصاد بازار در برابر اقتصاد دولتی» در ایران، بحثی درباره اندازه دولت نیست؛ بحثی درباره کیفیت حکمرانی اقتصادی و بازتعریف رابطه دولت و بازار است.

سخن پایانی

سه گزاره این گزارش را می‌توان به این شکل جمع‌بندی کرد:

۱. اندازه دولت در اقتصاد ایران واقعا بزرگ است. با توجه به برآوردهای معتبر موجود، سهم بخش عمومی از اقتصاد ایران دست‌کم حدود ۵۳ درصد و بر اساس محاسبات مبتنی بر بودجه ۱۳۹۶، تا حدود ۶۷ درصد برآورد می‌شود؛ ارقامی که هیچ‌یک از ادعاهای سیاسی پرتناسب‌تر با واقعیت نیستند.

۲. خصوصی‌سازی در ایران ناکام بوده است. براساس گزارش های منتشر شده طی سه دهه، تنها ۸ درصد واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقعی انجام شده و بقیه از دولتی به دولتی دیگر (خصولتی) منتقل شده است.

۳. سوءمدیریت محصول ساختار است، نه تنها افراد؛ بنابراین تا وقتی مکانیسم قیمت و مالکیت شفاف جایگزین تخصیص اداری و رانت نشود، هر مدیر جدیدی نیز در همین ساختار گرفتار تکرار همان خطاها خواهد شد.

مسیر پیش‌رو، نه بازگشت به دولت سالار کامل و نه رهاکردن بازار، بلکه بازتعریف نقش دولت به عنوان سیاست‌گذار و ناظر، شفاف‌سازی مالکیت بنگاه‌های خصولتی و ایجاد پیش‌شرط‌های نهادی برای فعال‌سازی بازار رقابتی است. تا این بازتعریف رخ ندهد، چرخه تکراری تورم، زیان‌دهی شرکت‌های دولتی و اعتراض عمومی به سوءمدیریت ادامه خواهد یافت.

یادداشت



«اندر سلوک گفتاردرمانی آقای دولت»

فاطمه امیراحمدی
روزنامه‌نگار

امروز به عنوان خبرنگار وقتی واژه جراحی اقتصادی را می‌شنوم چهارستون بدنم می‌لرزد. هرچند صابون دولت‌ها بارها و بارها به تن مردم خورده است.

آقای دولت! شجاعت شما در رشد نرخ تورم، در کنار عملکرد گفتاردرمانی‌تان ستودنی است. پیش از فرو بردن چاقوی جراحی‌تان در تنه اقتصاد گفتید، قرار است نرخ تورم ثابت و حتی کاهشی شود؛ یک مورد از گفتاردرمانی‌تان.

سپس اعلام کردید، مردم نگران نباشید قرار است یارانه از ابتدای زنجیره تولید که نشتی زیاد دارد! به انتهای زنجیره و مصرف‌کننده برسد تا به عدالت نزدیک‌تر باشد؛ اینجا هم با گفتاردرمانی‌تان مفهوم عدالت را در ذهن جامعه دچار دگردیسی کردید.

کالابرگ یک میلیون تومانی را هدیه دادید تا پذیرش درد راحت‌تر باشد و تیزی چاقوی جراحی‌تان نفس‌ها را در نیاورد. حالا خدا را شکر می‌کنیم که کالا هست اگرچه پول نیست؛ می‌توانیم نان ۵۰ هزار تومانی را پشت ویترین فروشگاه‌ها سق بزنیم.

درآمدهای ۲۰ و ۳۰ میلیون تومانی شد معیارتان در تعیین خط فقر؛ اما غافلید از فلاکتی که موزیانه در حال نفوذ در بدنه اعتماد ملی است. البته سریال گفتاردرمانی‌تان تمامی ندارد و در حالی که قرار نبود با افزایش ۵۰ درصدی! کالابرگ (۵۰۰ هزار تومان) - کمک معیشتی که به لحاظ روانی جان خسته خانوارها را از گرانی تسلا می‌دهد- احدی حذف نشود، این موضوع را بارها دولتمردان‌تان تکرار کرده بودند، ولی چراغ خاموش عده‌ای از بار سنگین بودجه‌ای تان کنار گذاشته شدند تا بخشی دیگر از جراحی اقتصادی‌تان نمود پیدا کند.

یک شانه تخم‌مرغ ۸۰۰ هزار تومان، یک کیلوگرم گوشت مرغ ۴۰۰ هزار تومان، یک بطری روغن ۵۰۰ هزار تومان و... امروز دیگر یادمان نمی‌آید پیش از جراحی‌تان چند می‌خریدیم.

آقای دولت! تا حالا شده از ای‌تی‌ام پول بگیرید؟ برای گرفتن پول‌مان هم باید هر برگ اسکناس را دوباره بخریم. اگر گذرتان به مطب آقا و خانم دکترها هم افتاده باشد، آنها هم فقط برگه اسکناس را می‌شناسند. فشار چاقوی جراحی‌تان، هر چه را که در دولت الکترونیک تجربه شده بود را پنبه کرد.

وزیر رفاه‌تان هم وعده داده بود دستمزد حداقلی کارگران را در شهریور ماه مورد بازنگری قرار دهد؛ فکر کنم هنوز شهریور ماه نیامده است.

امروز مثبت و منفی خوب همدیگر را جذب می‌کنند، هر چقدر نمودار قیمت‌ها صعودی می‌شود، سبد مصرفی خانوارها متواضع‌تر می‌شوند.

آقای دولت! غرضم از نوشتار این چند سطر، فقط دو کلام صحبت کردن با شما بود به این امید که شاید ندانید چه اتفاقاتی زیر چاقوی جراحی‌تان افتاده و تن اعتماد ملی را چقدر زخم کرده است.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر

نوبت اول
شماره ۲۳۲۳۵۵۹

برابر کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۰۰۱۸۰۰۱۰۳۲ رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۸۰۱۴۲۳۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی عباس آباد تصرفات مالکانه و بلامعارض آقای مجید ادیب اکبری فرزند عیسی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری کشاورزی به مساحت ۲۴۷ مترمربع تحت پلاک ۱۴۳۲ فرعی از ۱۴۵ - اصلی قسمتی از پلاک ۱۲۳ فرعی از ۱۴۵ اصلی واقع در قریه محمد حسین آباد دهستان لنگا خریداری از دادنامه حصر وراثت شماره ۱۳۳ مورخه ۱۳۹۴/۰۴/۰۸ شعبه دوم حقوقی عباس آباد و گواهی مالیات بر ارث محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض و دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ — تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۷

سقا قاسمی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عباس آباد

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر

نوبت اول
شماره ۲۳۲۰۷۵۶

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم‌شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه صلاحدار کلا پلاک ۸ اصلی بخش ۴

۱۲۹ فرعی بنام آقای /خانم نادر حسن‌پور نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۵۲.۲۷ مترمربع خریداری مع‌الواسطه از آقای/ خانم مالک رسمی.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حساوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ — تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۷

مرتضی قاسم‌پور، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائم‌شهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر

نوبت اول
شماره ۲۳۲۰۷۵۹

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم‌شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه میکلا پلاک ۳۷ اصلی بخش ۵

۲۴۹ فرعی بنام آقای/ خانم فرشاد غنی‌زاده نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۹۹.۹۳ مترمربع خریداری بلاواسطه از آقای/ خانم مهشید قدیریان تهرانی مالک رسمی.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ — تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۷

مرتضی قاسم‌پور، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائم‌شهر